

بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی مطالعه موردی: شهرستان زابل

محمود رضا میرلطفی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران
سید امیرمحمد علوی زاده^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
خورشید هدایتی امین: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

چکیده

استمرار و پایداری حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه در گرو انسجام و اتحاد اعضای آن جامعه می‌باشد. ایران کشوری متنوع از نظر قومی است. ویژگی‌های متمایزکننده اقوام از یکدیگر در ایران بیش‌تر بر مؤلفه‌های زبانی و مذهبی متمرکز می‌شود. سکونت قومیت‌های ایرانی در مناطق مرزی و همجوار با کشور هم‌زبان خود، زمینه مناسبی را برای وقوع بحران‌های قومی- مذهبی و متأثر ساختن امنیت ملی کشور فراهم می‌آورد. هدف از این پژوهش بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی منطقه سیستان می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات به روش میدانی با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری ۲۶۱۰ خانوار می‌باشد و جامعه‌ی نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ خانوار انتخاب گردید که در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون T تک نمونه استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که از بین شاخص‌های بعد انسجام مؤثر بر امنیت مرزها، شاخص‌های احترام به والدین و بزرگان همدیگر، همدردی در زمان وقوع حادثه ناخوشایند با خانواده عزادار، همیاری در فصل کار، با سطح معناداری صفر درصد، بالاترین رتبه را کسب کرده‌اند. اما در بین شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بر مرزها، شاخص‌های میزان رضایت از مسئولان امنیتی (۶/۶۶۹) و اعتماد به مرزنشینان (۵/۱۰۴) در بالاترین رتبه قرار گرفته که از تلاش مسئولان دولتی جهت برقراری امنیت در این منطقه نشأت می‌گیرد. از بین شاخص‌های امنیت اقتصادی درصد جمعیت شاغل به کار در بخش کشاورزی (۷/۳۹۹) و درصد جمعیت شاغل به کار در بخش خدمات (۴/۲۸۲) در بالاترین رتبه قرار دارند و این نکته بیانگر آن است که مردم مرزی منطقه سیستان در صورت وجود منابع آبی کافی و حمایت‌های دولتی، به بخش کشاورزی تمایل بیشتری دارند. شاخص‌های دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی (۶/۶۴۰-) و دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی (۸/۹۸۲-) کمترین رتبه را کسب کرده‌اند که لزوم سیاست‌گذاری مطلوب‌تر در این حوزه را طلب می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: مرز، امنیت، انسجام اجتماعی، تنوع قومی - مذهبی، شهرستان زابل.

بیان مسأله:

کمال مطلوب هر حکومت ملی، برخورداری از یک ملت یکپارچه است که در میان اعضای آن، تفاوت‌های چشمگیر زبانی، مذهبی، قومی و نژادی وجود نداشته باشد و همگان به یک هویت فراگیر ملی تعلق خاطر داشته و به آن وفادار باشند. اما در میان کشورهای مستقل جهان کمتر کشوری یافت می‌شود که به طور طبیعی دارای جمعیتی فاقد تفاوت‌های زبانی، مذهبی و قومی باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶). ایران به دلایل طبیعی، تاریخی، شاهد تنوع و گوناگونی فراوانی از حیث زبانی، فرهنگی، نظامات خویشاوندی، قومی و تا حدودی نژادی است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۸۶). گروه‌های عمده قومی در ایران شامل: فارس، لر، ترکمن، کرد، بلوچ و آذری زبان‌ها می‌باشند (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۳)، که غالب این گروه‌های قومی در مناطق مرزی ایران ساکن هستند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۹۲). بدین منوال تنوع قومی موجود در کشور به عنوان یک واقعیت ساختاری، سابقه‌ی درازمدت و طولانی در ایران دارد. استقرار و زندگی اقوام ایرانی در این سرزمین، مشارکت مکرر آنها در حکومت و تأسیس سلسله‌های حکومتی با ماهیت قومی - ایلی در ایران، جنبش‌ها و تنش‌های مکرر را در مناطق قومی که غالباً مرزی هستند به وجود آورده است (همان، ۴۰۷).

مناطق مرزی ایران به دلیل دور افتادگی از شهرهای بزرگ بیش از هر نقطه دیگر مورد غفلت واقع شده‌اند. وجود اختلافات مرزی با کشورهای مجاور و عدم امنیت این مناطق، گسترش فعالیت‌های سودآور غیرقانونی و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد از یک سو و جدایی‌گزینی فرهنگی در بعضی مناطق به دلیل وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی در آنها از سوی دیگر، باعث عقب ماندن این مناطق از روند توسعه کشور گردیده است. طول مرزهای بین‌المللی ایران در حال حاضر حدود ۷۸۱۶ کیلومتر می‌باشد که زمینه‌ساز همجواری ۱۵ استان را با ۱۵ کشور همسایه فراهم نموده است. امروزه موضوع پایداری سرلوحه‌ی تمامی فعالیت‌ها و برنامه‌های توسعه است. البته نکته در خور تأمل این است که برای بررسی پایداری در هر زمینه، داشتن دیدگاه همه جانبه اهمیت بسیاری دارد (Shahvali, 2005). جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب، همیشه با تحولات تروریستی که اغلب آنها جنبه سیاسی داشته (اما همیشه از مذهب برای موجه کردن اقدامات خود استفاده کرده‌اند) روبرو بوده که از جمله آنها، اقدامات تروریستی در استان سیستان و بلوچستان، که باعث به شهادت رسیدن مردم بیگناه شده است. تقریباً یک چهارم گروه‌های تروریستی که در سراسر جهان فعال هستند، بر مبنای علایق مذهبی برانگیخته شده‌اند. در واقع، انگیزه آنها سیاسی می‌باشد و مذهب، صرفاً برای مشروعیت‌بخشی اخلاقی برای به کارگیری نیروها و اعضا به کار می‌رود. در استان‌های مرزی ایران، به ویژه استان سیستان و بلوچستان رگه‌هایی دال بر گسترش قومی - مذهبی متأثر از دخالت عوامل خارجی مشاهده می‌شود. که سعی در ترور اشخاص و گروه‌های مردمی را دارند و از این طریق می‌خواهند این منطقه را ناامن جلوه دهند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: فعالیت‌های تروریستی گروه موسوم به جندالله در جنوب شرق ایران است. تعداد مهم‌ترین عملیات‌های تروریستی صورت گرفته توسط این گروه بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹، که در منابع خبری مختلف ذکر شده است ۲۵ فقره می‌باشد. (جدول شماره ۱). درصد تحولات تروریستی سال‌های ۱۳۸۴ (چهار فقره، ۱۶٪)، ۱۳۸۵ (چهار فقره ۱۶٪)، ۱۳۸۶ (چهار فقره ۱۶٪)، ۱۳۸۷ (۸ فقره ۳۲٪)، ۱۳۸۸ (۳ فقره، ۱۲٪)، ۱۳۸۹ (۲ فقره، ۸٪) بوده است. در بین ماه‌های سال نیز به طور عجیب ۲۱ درصد فعالیت‌های تروریستی در ماه بهمن بوده است که برای ایرانیان بسیار اهمیت دارد و ماه پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد (راستی، ۱۳۹۱: ۴۸۶). اما غافل از اینکه مردم شیعه و سنی این منطقه قرن‌هاست که در کنار همدیگر به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند و حتی این مسئله را به ارتباطات خانوادگی هم کشانده‌اند (Siasi, porsemani.ir). حجم تلفات انسانی ناشی از عملیات‌های تروریستی بخصوص در عملیات‌های انتحاری، راه‌بندان‌ها، گروگان‌گیری و یورش‌ها بسیار بالا بوده است. در دو سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ اگر چه تنها ۵ عملیات تروریستی (۲۰ درصد کل عملیات‌ها) صورت گرفته اما در این دو سال به دلیل استفاده از شیوه عملیات انتحاری تعداد قربانیان حملات نزدیک به ۶۰ درصد کل کشته‌شدگان عملیات‌های تروریستی ۶ سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ را شامل می‌شود. در مورد اهداف و انگیزه‌های این وقایع؛ انگیزه‌های شخصی، انتقام‌جویی، مذهبی و قومی را می‌توان نام برد که به لحاظ اعتقادی، متأثر از تفکرات انحرافی و رویکردهای ضد شیعی وهابیت، القاعده و طالبان بوده و هستند. قربانیان تحولات تروریستی دهه ۱۳۸۰ به تمام سیستان و بلوچستان و ایران

تعلق دارد. در بین قربانیان پیر، جوان، زن، مرد و حتی کودک خردسال دیده می‌شود و از نظر مذهبی قربانیان این تحرکات تروریستی را پیروان هر دو مذهب شیعه و سنی را تشکیل می‌دهد. با این حال برخی گروه‌ها، افراد و اقشار بیشتر از سایرین در معرض حملات تروریستی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ۱- شیعیان و روحانیون شیعه ۲- نیروهای نظامی و انتظامی ۳- علما، سرداران و مردم بلوچ و سنی که به نظر تروریست‌ها همکار و همراه حکومت به شمار می‌آمدند (راستی، ۱۳۹۱: ۴۸۰).

جدول ۱- مهم‌ترین عملیات‌های تروریستی گروه جندالله از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹

عملیات تروریستی	تاریخ عملیات تروریستی	جغرافیای عملیات تروریستی	عملیات تروریستی	تاریخ عملیات تروریستی	جغرافیای عملیات تروریستی
حمله به کاروان انتقال رئیس جمهور	۱۳۸۴/۹/۲۳	مناطق کوبری سیستان	حمله به پاسگاه مرزی	۱۳۸۷/۳/۲۳	سراوان
حمله به پاسگاه مرزی سراوان	۱۳۸۴/۱۰/۱۲	منطقه سراوان	ترور ابراهیم کریمی (معاون دادگستری سراوان)	۱۳۸۷/۳/۲۷	سراوان
اسارت دو تبعه ترک	۱۳۸۴/۱۰/۲۵	_____	ترور فضل‌الله شهبازی (دادستان عمومی و انقلاب خاش)	۱۳۸۷/۷/۶	شهرستان خاش
جاده تاسوکی	۱۳۸۴/۱۲/۲۵	منطقه تاسوکی	ترور مولوی شیخ علی دهنوری (امام جمعه مسجد صدیق اکبر)	۱۳۸۷/۸/۲۰	شهرستان سراوان
حملات پراکنده به غیرنظامیان	از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹	استان سیستان و بلوچستان	حمله به صبحگاه مشترک نیروی انتظامی	۱۳۸۷/۱۰/۹	شهرستان سراوان
حمله به مأموران نیروی انتظامی	۱۳۸۵/۱۱/۱۳	تقاطع بلوارهای بزرگمهر و معلم شهر زاهدان	شبیخون به وانت تدارکات نیروی انتظامی	۱۳۸۷/۱۱/۴	_____
حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منفجره	۱۳۸۵/۱۱/۲۵	شهر زاهدان	انفجار بمب صوتی	۱۳۸۷/۱۱/۴	مسجد الغدیر زاهدان
انفجار بمب صوتی	۱۳۸۵/۱۱/۲۶	زاهدان	حمله انتحاری به مسجد شیعیان	۱۳۸۸/۱۱/۷	مسجد علی بن ابی طالب زاهدان
حمله به پاسگاه مرزی لگور	۱۳۸۵/۱۲/۸	منطقه لگور	حمله به ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد	۱۳۸۸/۳/۸	زاهدان
شبیخون اعضای جندالله به جمعی از پاسداران	۱۳۸۶/۴/۲۸	_____	حمله انتحاری به نمایشگاه صنایع دستی	۱۳۸۸/۷/۱۰	شهرسرباز
حمله به خودروهای عبوری	۱۳۸۶/۵/۲۸	روستای افتخارآباد شهرستان خاش	۲ حمله انتحاری به مسجد جامع زاهدان	۱۳۸۹/۳/۲۷	زاهدان
ترور مهدی توکلی (روحانی شیعه)	۱۳۸۶/۵/۱۰	شهرستان ایرانشهر	بمب‌گذاری در مراسم تاسوعای حسینی	۱۳۸۹/۹/۲۱	چابهار

منبع: (راستی، ۱۳۹۱: ۴۸۵).

با توجه به مرزی بودن سیستان و همسایگی این منطقه با کشورهای ناپایداری چون افغانستان و پاکستان و با وجود مشکلات مختلف در زمینه‌های اقتصادی و خشکسالی‌ها، یک منطقه‌ی فرهنگی می‌تواند مطرح شود که این امر در بین اهل تسنن و تشیع این منطقه بارز بوده و می‌تواند زمینه‌ساز انسجام شیعه و سنی در جامعه گردد. هدف از این پژوهش بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی منطقه سیستان می‌باشد. در راستای انجام تحقیق سؤالاتی به شرح زیر مطرح می‌شود.

- ۱- آیا انسجام اجتماعی بر امنیت مرزها تأثیر دارد؟
- ۲- آیا گرایش‌های قومی - مذهبی بر امنیت مرزها موثر است؟

پیشینه تحقیق:

در زمینه انسجام اجتماعی تحقیقات زیادی صورت گرفته، اما در ارتباط با بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی - مذهبی تحقیقات اندکی صورت گرفته است، که در جدول شماره ۲ به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

جدول ۲- پیشینه تحقیق

نویسنده	سال	عنوان	نتایج
جونز و وایلد	۱۹۹۴	تحلیل تغییرات فضایی - ساختاری در مرز پیشین دویاره آلمان پس از برقراری مرز و برداشتن موانع مرزی	به عقیده جونز و وایلد، مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد (آنان معتقدند که با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل هستند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن علت عقب‌ماندگی این نواحی است
صالحی امیری	۱۳۸۵	مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی	به معرفی تئوریهای سرمایه اجتماعی می‌پردازد و سپس نقش اعتماد عمومی در سطح کلان سرمایه اجتماعی اشاره نموده و رابطه دولت‌ها و شهروندان در این حوزه را تشریح نموده و در ادامه به پدیده تنوع قومی در ایران می‌پردازد و استراتژی‌های مدیریت تنوع قومی از دوره قاجار تا دوران انقلاب را بیان می‌کند.
پیشگاهی فرد و امیدوی آوج	۱۳۸۸	ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها	در مناطق مرزی ایران که اقوام مختلفی سکونت دارند به نظر می‌رسد که این اقوام می‌توانند هم منبع چالش باشند و هم فرصت‌هایی را جهت رشد و توسعه کشور فراهم آورده و منبع قدرت محسوب می‌شوند. در بعضی از کشورها که دارای شکاف‌های ناحیه‌ای شدیدی هستند با استقرار اقوام گوناگون در بخش‌های حاشیه‌ای کشور، درجه واگرایی و ضریب آسیب‌پذیری بالا می‌رود.
نواح و همکاران	۱۳۸۹	آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران (مطالعه موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)	در این تحقیق رابطه‌ی ۲۲ متغیر بر هویت قومی در قالب ۲۲ فرضیه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که در تحلیل دو متغیره، ۲۱ فرضیه مورد اثبات قرار می‌گیرد و تنها ارتباط با خارج از کشور ارتباط معناداری با هویت قومی از خود نشان نمی‌دهد. محرومیت اقتصادی مهمترین متغیر مؤثر بر هویت قومی عربها معرفی شده و احساس محرومیت نسبی در بعد سیاسی دارای اهمیت قابل توجهی است.
احمدی و همکاران	۱۳۸۹	تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار	از مهمترین عواملی که در صورت غفلت حکومت مرکزی می‌تواند از طرف اقوام مختلف باعث تهدید و آسیب‌پذیری امنیت ملی کشور مطرح شود، وجود اقوام هم‌آیین در کشورهای همسایه و رابطه آن‌ها با یکدیگر، دخالت عوامل بیگانه، موقعیت مرزی اقوام و غیره است.

منبع: یافته‌های کتابخانه‌ای تحقیق، ۱۳۹۳.

مفاهیم و مبانی نظری:

مرز: مرز یک خط مشخصی است که جداکننده‌ی دو واحد سیاسی محسوب می‌شود و فقط محدود به سطح زمین نیست، بلکه مرزهای دولت به طرف بالا در یک سطح عمودی گسترش می‌یابد تا فضای ملی را تحدید کند و به طرف پایین پیش می‌رود تا حاکمیت دولت‌ها بر روی خشکی، دریا و هوا اعمال شود (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹). همچنین در تعریف دیگر مرز آمده است که: مرز به پدیده فضایی گفته می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. مهم‌ترین کارکرد مرزها ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

مرزهای بین‌المللی، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها نقش برجسته‌ای دارند. مرزها کنش متقابل مرزنشینان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ شکوفایی و زوال شهرها و حوزه‌ی نفوذ آنها در مجاورت مرز بستگی به این دارد که خط مرزی نقش‌های جدیدی برای آنها پدید آورد یا بر عکس، حوزه‌ی طبیعی آنها را بر هم زند (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۶۱). مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. به گونه‌ای که

وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و بین کشورهای مجاور، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات مختلف، مرزها را به کانون‌های حساسی مبدل ساخته است (عندلیب، ۱۳۸۴: ۱). امروزه نظریات مختلفی در مورد مرز وجود دارد. نیلز هانس (۱۹۷۸م) در بررسی‌های خود با توجه به نظریات کریستالر و محرومیت، توسعه‌نیافتگی و حاشیه‌ای بودن را از جمله نکات منفی مرزها محسوب کرده و خطر تهدیدات نظامی را به عنوان مهم‌ترین نکته‌ی منفی در مرزها می‌داند. در همین راستا جونز و وایلد مناطق مرزی را به عنوان مناطق حاشیه‌ای توسعه‌نیافته می‌شناسند. این حاشیه‌ای بودن اگرچه معلول شرایط جغرافیایی می‌باشد اما با برقراری مرز بین دو کشور، این فضاها از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند که این خود عقب‌ماندگی این مناطق را عمق بیشتری خواهد بخشید. بنابراین مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از دیگر واحدها است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد. جونز و وایلد برای توسعه مناطق مرزی و خروج از انزوا؛ شناخت متغیرهای تأثیرگذار، ایجاد زیرساخت‌ها، گسترش ارتباطات با داخل و خارج، پیوستگی مرز با مرکز، توجه به تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرزنیسان با همسایگان مرزی و ارائه راه‌حلهایی برای توسعه این مناطق را پیشنهاد می‌کنند (پورموسوی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۳).

امنیت: تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند. امنیت برای یک کشور عبارت است از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت «موجودیت» و «مایملک»، نسبت به «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع ملی» قرار می‌گیرد. با توجه به تعاریف فوق، امنیت را می‌توان اینگونه تعریف کرد: مصونیت ارزش‌های نادر انسانی از مخاطرات طبیعی و انسانی. فارغ از عینی یا ذهنی - روانی دانستن آن، در حقیقت زیرساخت و زیربنای تمام پیشرفت‌های انسانی با ایجاد امنیت بوده است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰-۱۱۹).

در امنیت مرزی، مرز نشان‌دهنده پایان سرزمین یک دولت است. سرزمین، قلمرو حقوقی و سیاسی جماعات را مشخص نموده و مبین حد نهایی حاکمیت و صلاحیت دولت‌هاست. این خطوط ضمن تعیین حدود قلمرو حکومت، تعیین‌کننده اختیارات دولت آن حکومت نیز هست (Pishgahifard, 2009: 49). قدرت‌های عمومی حاکم بر کشورها در محدوده سرزمین خود از اختیارات تام و تمام زمامداری برخوردارند و برای مردم ساکن آن ایجاد حق و تکلیف می‌کنند. این زمامداری طبعاً در محدوده مرزهای شناخته شده متوقف می‌گردد و بدین ترتیب کشورها از یکدیگر باز شناخته می‌شوند و روابط بین-المللی در نظامی متفاوت شکل می‌گیرد (Hashemi, 1995: 64). امروزه حفاظت و حراست از سرزمین در سراسر کره زمین برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید. ضمانت تحقق این امر بدون شک مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می‌باشد (Ghalibaf, 2009: 1). مرزها ممکن است به دو شکل از سوی دشمنان تهدید شوند. یکی تهاجم تمام عیار در قالب جنگ که غالباً به منظور براندازی رژیم صورت می‌گیرد و دیگر، هجوم‌های مقطعی که به شکل یورش‌های ناگهانی و یا شبیخون صورت می‌گیرد و بیشتر جهت ایجاد ترس و وحشت در دل مردمان و سست کردن پایه‌های رژیم می‌باشند، که گاه خود مقدمه جنگ خواهد بود (Ebrahimbay, 2006: 1). مرز ایران و افغانستان به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و وضعیت خاص سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرزنیسان، همواره از پرحادثه‌ترین مرزهای مشترک ایران با کشورهای همسایه بوده است (Panahi, 2006: 19). از عوامل عمده ناامنی و بروز حوادث مختلف مرزی، تجاوزهای هوایی و زمینی، درگیری‌های مسلحانه با اشرار و قاچاقچیان، راهزنی و سرقت‌های مسلحانه، آدم‌ربایی و تردهای غیرقانونی در مرز می‌باشد (Rahmatirad, 1995: 19).

انسجام اجتماعی: مطالعه انسجام اجتماعی سابقه‌ای دیرینه در علوم اجتماعی دارد. مفهوم انسجام اجتماعی اهمیت محوری خود را تاکنون در مباحث مهم جامعه‌شناسی حفظ کرده است، انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه‌ی آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگرند. انسجام اجتماعی همچنین نوعی احساس ارتباط، گرایش و تعامل با دیگران است و منظور از آن «احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند» (بیرو، ۱۳۶۶: ۴۰۰). انسجام اجتماعی در این معنا، در واقع احساس

همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند (وزیری، ۱۳۸۳: ۱۱۸). طبق آنچه عموماً در جامعه‌شناسی از مفهوم انسجام اجتماعی مستفاد می‌شود، این مفهوم به درجه یا نوعی همگرایی یک جامعه و در واقع، به پیوندها و روابطی که اعضای یک جامعه یا یک گروه را به یکدیگر مرتبط می‌سازد، اشاره دارد. مفهوم انسجام اجتماعی را با سطح، مقدار یا شدت همکاری اعضای گروه در راستای دستیابی به اهداف جمعی مرتبط می‌دانند (Vidgern, 1997: 755). دیگر جامعه‌شناسان آن را در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته می‌دانند (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰). برخی از عوامل همگرایی و تقویت‌کننده انسجام ملی عبارتند از: اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی، ریشه تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک ملی، مفاخر، دین و مذهب، آرمان سیاسی مشترک، نمادهای ملی، اقتدار حکومت مرکزی، تهدیدات خارجی (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

رابطه قومیت و امنیت:

امنیتی دیدن حقوق قومیت‌ها یعنی اینکه حقوق قومیت‌ها به عنوان تهدیدی وجودی در نظر گرفته می‌شود، بنابراین حوزه کارآمدی و مسئولیت‌پذیری خود را از دست داده، انکار یا سرکوب می‌شوند (تریف، ۱۳۸۳: ۲۴). امنیت دیدن مسئله قومیت‌ها که به سیاست‌های همانندسازی دولتی منجر می‌گردد سبب پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر می‌شود. این همانندسازی ممکن است در اشکال فرهنگی، ساختاری، هویتی، مدنی و رفتاری و به دو روش خشونت‌آمیز و منعطف نمود یابد. در نوع منعطف آن دولت برای کاهش اختلافات فرهنگی و ایجاد حقوق شهروندی برای گروه‌های قومی تلاش می‌کند، اما در بعد خشونت‌آمیز دولت تلاش می‌کند تا با نسل‌کشی، پاک‌سازی و اخراج، جابه‌جایی اجباری، کنترل جمعیت، فشارهای سخت سیاسی - اجتماعی و غیره گروه‌های قومی را تهدید و آن را در الگوهای فرهنگی مورد نظر خود هضم کند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۳۵۰). این شکل از همانندسازی و اعمال سیاست‌های فرهنگی نه تنها موجب ناامنی روانی و ذهنی قومیت‌ها می‌شود، بلکه کارآمدی و مشروعیت سیاسی دولت مرکزی را کاهش داده، اعتماد، رضایت و مشارکت سیاسی گروه‌های قومی را از بین می‌برد. با توجه به تغییر امنیتی نظام بین‌الملل و اهمیت یافتن بعد نرم‌افزاری امنیت یا همان ظرفیت سیاسی کشورها، نارضایتی سیاسی قومیت‌ها نه تنها می‌تواند بعد نرم‌افزاری امنیت دولت را تهدید کند؛ بلکه می‌تواند زمینه بهره‌برداری فرصت‌طلبانه کشورهای خارجی به بهانه‌های مختلف را فراهم آورد.

روش تحقیق:

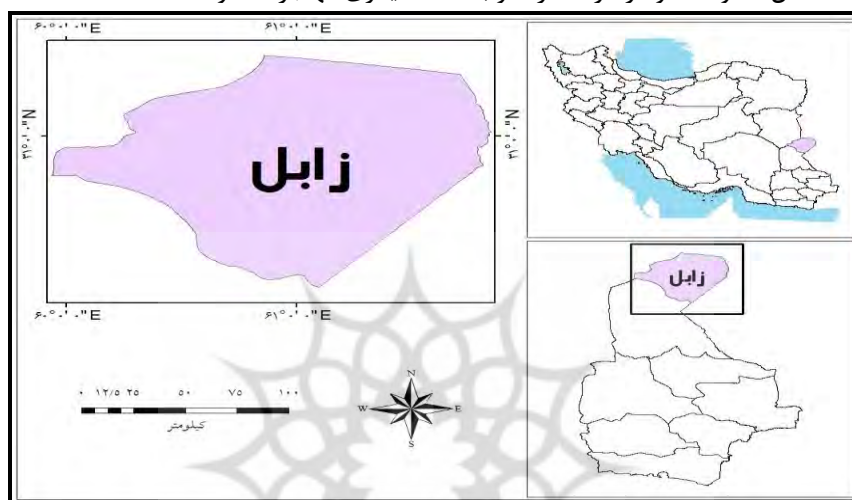
روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از دو شیوه اسنادی و میدانی بهره گرفته شده است و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. پایایی آن نیز بر اساس روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴۱ محاسبه شد که مطلوب بحساب می‌آید. جامعه آماری ۲۶۰۱۰ خانوار و جامعه‌ی نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ خانوار انتخاب گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های جاری همانند اطلاع‌یابی از طریق ریش‌سفیدان، شوراها، دهیاران و معتمدان روستا بدون اینکه زمینه جریحه‌دار شدن احساسات را فراهم نماید، بهره گرفته شده است. برای سنجش انسجام اجتماعی از سه شاخص ۱- گرایش شیعه و سنی منطقه به یکدیگر ۲- میزان تعامل اجتماعی آنها با یکدیگر ۳- میزان نزاع‌های جمعی میان آنها استفاده گردیده است. متغیرهای مورد بررسی در تحقیق شامل؛ داشتن فامیل نزدیک (پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر)، تعلق مکانی، تعامل مذهبی - قومی، بیگانه نبودن، رضایتمندی، آسودگی خاطر، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد و اطمینان اجتماعی، می‌باشد. (شکل شماره ۱).



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

منطقه مورد مطالعه:

منطقه‌ی سیستان بین ۲۹ تا ۳۲ درجه عرض شمالی و ۶۰ تا ۶۴ درجه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. از شمال و مشرق به افغانستان و از جنوب به شهرستان زاهدان و از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان بیرجند محدود است. (شکل شماره ۲). سیستان دارای آب و هوایی گرم و خشک است و تابستان‌هایی بسیار گرم دارد (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵: ۱۳). از ویژگی‌های اقلیمی این منطقه باد معروف ۱۲۰ روزه سیستان است که از اول خرداد از سوی شمال غربی آغاز می‌شود و سرعت آن گاه از ۹۰ کیلومتر در ساعت تجاوز می‌کند. منبع اصلی آب منطقه، رودخانه هیرمند است که از ارتفاعات بابایغما در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد و طول آن حدود ۱۲۰۰ کیلومتر است و به دریاچه هامون می‌ریزد. در سال‌های اخیر، سرزمین سیستان با کمبود شدید آب مواجه گردیده و از آبادانی افتاده است. به همین دلیل، گروه‌های زیادی از روستاییان منطقه سیستان، دهات محل سکونت خود را ترک کرده و به نقاط دیگری مهاجرت نموده‌اند.



شکل ۲- موقعیت جغرافیای محدوده مورد مطالعه

ویژگی‌های قومی و فرهنگی منطقه مورد مطالعه:

این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل یافته است. در این استان به عنوان یک استان دارای تنوع قومی و مذهبی، اقوام مختلفی زندگی می‌کنند که بلوچ‌ها بیشتر در جنوب و سیستانی‌ها در شمال استان و سایرین نیز به طور پراکنده در قسمت‌های مختلف استان زندگی می‌کنند و از نظر جمعیتی به ترتیب اکثریت عبارتند از: بلوچ، سیستانی، سایر اقوام (بیرجندی‌ها، یزدی‌ها، ترک‌ها و...). در بررسی به عمل آمده مشخص شده که در سطح استان تعداد ۳۶ قوم و طایفه اصلی زندگی می‌کنند و لیکن نکته قابل توجه این است که درصد حضور اقوام مختلف در شهرستان زاهدان مرکز استان تقریباً به صورت مساوی است (شه‌بخش، ۱۳۷۷: ۸). اکثریت جمعیت سیستان را اقوام و طوایف مختلف سیستانی (که قریب به ۷ طایفه اصلی و بیش از ۱۰۰ تیره هستند) تشکیل می‌دهند. علاوه بر اقوام سیستانی و بلوچ، عده‌ای بیرجندی، قائنی، نهبندانی، کرمانی و غیره نیز به تدریج به سیستان مهاجرت کرده و در عمران و آبادی این سرزمین ایفای نقش نموده‌اند که البته درصد آنها اندک است (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۱۶).

دین و مذهب در سیستان:

دین و مذهب از روزگاران نخست با دولت‌ها همدم و همگام بوده و از مبانی مهم فرهنگ ایرانی به شمار می‌رفته است در آغاز، کیش مهرپرستی و آیین مزدیت و آیین زرتشتی، رگه‌هایی از اندیشه و معنویت را وارد فرهنگ سیستان ساختند (همان: ۱۶). اگر مذهب زرتشت در سیستان زمانی در نهایت اوج بود که هم اکنون آثار زیادی نیز از آن زمان باقی مانده است، شکی نیست که پس از فتح اعراب تا مدت زیادی این مذهب رواج داشت و فامیل‌های گبر (آتش پرستان یا پارسی‌ها) زیاد بودند و اعراب وجود آنان را تحمل می‌کردند. بعدها تعصب و سخت‌گیری بر علیه آنان شکل گرفت و آتش مقدس و قربانگاه آنان را از

میان بردند (پی‌تیت، ۱۳۶۳: ۱۷). پس از اسلام نیز دیانت اسلام، از جمله چیره‌ترین دین‌ها در زندگی معنوی و فرهنگی سیستان بوده است. مردم سیستان پیرو دین اسلام و مذهب شیعه جعفری هستند و اقلیتی پیرو مذهب سنی حنفی نیز در آن زندگی می‌کنند (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۴۰). هر چند قوم بلوچ در ناحیه‌ای جغرافیایی مشتمل بر جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان و شرق پاکستان مستقر است. بلوچ‌ها عمدتاً خود را مسلمان سنی حنفی مذهب معرفی می‌کنند (کاوایی، ۱۳۸۹: ۲۴۱). پیچیدگی تفاوت‌های فرهنگی در قالب زبان، هنگامی بیش‌تر می‌شود که با اختلافات مذهبی در هم آمیزد. زبان‌های اصلی در سیستان و بلوچستان بلوچی، فارسی و براهویی می‌باشد و لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیک‌ترند تا به زبان فارسی (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۵). در این استان از تعداد ۲۷۳۳۲۰۵ نفر جمعیت تعداد ۱۷۴۹۲۵۱ نفر دارای مذهب حنفی هستند (داودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵۵).

عوامل تقویت کننده انسجام اجتماعی در سیستان:

۱- پیوند قومی - مذهبی دفاع سرزمینی در میان مردم سیستان: مردم منطقه سیستان (شیعه و سنی) از دیدگاه دین و زبان و آیین، هم‌سانی‌هایی دارند. پیامبر اعظم اسلام و خاندان پاکش بهترین الگوی مردم سیستان، اعم از شیعه و سنی می‌باشند. سیره‌ی توأم با مدارا و همزیستی آمیخته با بزرگواری و مهربانی آنان با مردم از سویی و رفتار و گفتار رهبران مذاهب اسلامی که هیچگاه در صدد خصومت با یکدیگر بر نیامده‌اند و پیروان‌شان را سفارش به حذف گروه دیگر اسلامی نکرده، عامل دیگر انسجام مورد نظر است (افشار سیستانی، ۱۳۹۱: ۱۲۹). انسجام شیعه و اهل سنت به درازای تاریخ سیستان است، عالمان دینی این دو گروه روابط سازنده و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند، ماه مبارک رمضان و ایام محرم و صفر نموده‌های مذهبی و عامل وحدت بخش در منطقه سیستان می‌باشد (گرچی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

۲- برگزاری نشست‌های ملی: در این منطقه آیین‌های همبازی در آیین‌ها و گردهمایی‌های همگانی چون روش‌های میهمانی، گردهمایی سوگ، دل‌داری دادن، جشن‌های عروسی، نام‌گذاری، جشن‌های ملی و دینی کاربرد دارد که هنوز شکل بومی خود را نگاه داشته است. افزون بر آن، سازه‌های دینی و هویت اسلامی، انگیزه‌ی شکل‌گیری همگرایی منطقه می‌گردد.

۳- میهمان‌نوازی: گرمی داشتن میهمان و میهمان‌دوستی، از جمله ویژگی‌های مردم منطقه است. تمام کسان خانواده و محله در این میهمانی‌ها شرکت می‌کنند. یکی از ویژگی‌های چنین نشست‌هایی سادگی است، بگونه‌ای که برگزاری آنها تحمیل و دشوار برای آنها به بار نمی‌آورد.

۴- احترام به بزرگان: در تمامی جامعه‌ها، سرپرستان خانواده‌ها از جایگاه ویژه برخوردارند و همه در خدمت بزرگسالان بوده و این کار به گونه‌ای یک روش اجتماعی نهادینه شده در بین آنها است. در منطقه سیستان در تمامی جنبه‌های زندگی (اختلافات، درگیری‌ها، در بحث مشارکت افراد در کارهای دسته‌جمعی و غیره) به نظرات بزرگان احترام زیادی گذاشته می‌شود.

۵- تعاون و همکاری: تعاون و همکاری از پسندیده‌ترین روش‌های مردم در منطقه است که میان قوام و کشورهای دیگر همانند آن وجود ندارد. برای نمونه در برگزاری جشن‌های ملی و همسرگزینی، خویشان و نزدیکان به گونه‌ای در هزینه‌ها شرکت دارند تا اگر آسیبی به کسی وارد می‌گردد، دیگران همراهیش کنند، که این مورد گونه‌ای بیمه سنتی است (افشار سیستانی، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۶۹).

۶- روابط دوستانه: یکی از مصادیق انسجام و همگرایی فرهنگی میان شیعه و اهل سنت در سیستان که مورد تأکید مکرر اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و رهبران مذاهب اسلامی قرار گرفته است، شرکت در تشییع جنازه افراد دو گروه می‌باشد. به گواهی تاریخ افراد شیعه و اهل سنت در این وادی نیز بدون هرگونه دخالت دیگران و اهداف سیاسی و صرفاً با احساس دینی و ملی در تشییع جنازه بزرگان هم‌دیگر حضور یافته‌اند (اخلاقی، ۱۳۸۶: ۲).

یافته‌های توصیفی تحقیق:

ترکیب سنی پاسخگویان به ۵ گروه سنی طبقه‌بندی شده است که ۱۶/۶ درصد در گروه سنی ۲۰ سال، ۳/۳ درصد در گروه سنی ۲۱-۳۰ سال، ۲۶/۳ درصد بین ۳۱-۴۰، ۱۲/۹ درصد بین ۴۱-۵۰، ۷/۹ درصد بین ۵۱-۶۰ را تشکیل می‌دهند. از این تعداد حدود ۴۹/۶ درصد زنان و ۴۴/۸ درصد پاسخگویان را مردان تشکیل داده‌اند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز ترتیب

پاسخگویان عبارت است از ۱۱/۱٪ سواد خواندن و نوشتن، ۱۰/۳٪ ابتدایی، ۳۲/۱٪ راهنمایی، ۲۰/۸٪ متوسطه، ۱۴/۷٪ کارشناسی، ۸٪ کارشناسی ارشد و ۳٪ در سطح دکتری بوده‌اند. افراد پاسخ‌دهنده به پرسشنامه بر اساس گروه شغلی ۱۳/۲٪ کارگر، ۱۴/۵٪ کشاورز، ۶٪ کارمند، ۳۶/۸٪ آزاد و ۲۹/۵٪ در سایر فعالیت‌های اقتصادی مشغول بوده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

به منظور پاسخ به سئوالات و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی بهره گرفته شده است. آزمون‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: آزمون T تک گروهی یا تک متغیره و ضریب همبستگی. مبنای یافته‌های تحلیلی پژوهش، مطالعات میدانی و اطلاعات پرسشنامه است، که در یک طیف پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) مورد پرسش واقع گردیده است. به منظور تعیین میزان تأثیر انسجام شیعه و سنی بر امنیت مرزها از آزمون T تک‌نمونه‌ای با مقدار $3 = \mu$ (میانگین مورد انتظار) استفاده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که از مجموع ۲۲ شاخص از ابعاد انسجام مورد بررسی ۷ شاخص مربوط به مؤلفه گرایش شیعه و سنی نسبت به یکدیگر و ۵ شاخص مربوط به مؤلفه تعامل در بین شیعه و سنی، و ۶ شاخص مربوط به مؤلفه میزان نزاع در بین شیعه و سنی و ۴ شاخص مربوط به مؤلفه اعتماد می‌شود چون کوچک‌تر از $Z\alpha = 2/306$ و $\alpha = 0/025$ ، و مابقی بزرگ‌تر می‌باشند. بنابراین فرض $H_0: \mu \geq 3$ برای ۹ مورد از شاخص‌ها رد و برای ۱۳ شاخص، مورد تأیید قرار گرفته است. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- سنجش کمی شاخص‌های مورد بررسی در منطقه

رتبه	Sig(2-tailed)	مقدار T	شاخص	مؤلفه	ابعاد
۱۰	۰/۰۰۰	۵/۴۹۴	موقع رفتاری‌ها به درد آدم می‌خورند	گرایش شیعه و سنی یکدیگر	انسجام
۱۹	۰/۰۰۰	-۱۴/۷۷۲	به یکدیگر حسادت کنند و چشم دیدن همدیگر را ندارند		
۷	۰/۰۰۰	۱۱/۵۰۷	افتاده و بی‌تکبرند		
۲۱	۰/۰۰۰	-۲۵/۸۵۸	آسیب روانی می‌رسانند		
۲۲	۰/۰۰۰	-۲۶/۲۹۷	در امور خانوادگی یکدیگر دخالت می‌کنند		
۴	۰/۰۰۰	۱۷/۱۶۰	به آنها می‌شود اعتماد کرد		
۱	۰/۰۰۰	۳۲/۳۴۲	احترام به والدین و بزرگان همدیگر		
۱۳	۰/۰۰۰	-۴/۲۲۵	بر سر برخی از مسائل با همدیگر دعوا می‌کنند	میزان نزاع در بین شیعه و سنی	
۱۴	۰/۰۰۰	-۵/۳۰۶	در صورت بروز دعوا بین دو فرد برخورد طایفه‌ای به وجود می‌آید		
۱۷	۰/۰۰۰	-۷/۴۲۴	اختلاف‌های سیاسی بین آنها وجود دارد		
۱۲	۰/۰۰۰	-۳/۸۸۲	کدورت و کینه بین آنها وجود دارد		
۱۶	۰/۰۰۰	-۶/۰۳۲	بر سر مالکیت زمین با هم دعوا دارند		
۱۵	۰/۰۰۰	-۵/۹۱۲	گرایش به نزاع جمعی و درگیری		
۲۰	۰/۰۰۰	-۲۲/۶۶۰	بیشتر به فکر خودشان هستند و کمتر با یکدیگر رفت و آمد دارند	میزان تعامل در بین شیعه و سنی	
۲	۰/۰۰۰	۱۹/۶۲۳	در زمان وقوع حادثه ناخوشایند با خانواده عزادار همدردی می‌کنند		
۳	۰/۰۰۰	۱۸/۲۷۱	در فصل کار به همدیگر کمک می‌کنند		
۱۸	۰/۰۰۰	-۱۱/۲۷۸	برای حل مسائل و اختلافات به دادگاه مراجعه می‌کنند		
۸	۰/۰۰۰	۶/۱۷۲	در انجام کارهای عمرانی با هم همکاری می‌کنند	اعتماد	
۵	۰/۰۰۰	۱۴/۵۷۳	در جامعه ما اکثر آنها قابل اعتمادند		
۶	۰/۰۰۰	۱۴/۴۶۲	اکثر آنها در معامله با دیگران درستکار و بی‌ریا هستند		
۱۱	۰/۰۱۰	۲/۵۹۷	مردم به نیروی انتظامی در برقراری امنیت اعتماد دارند		
۹	۰/۰۰۰	۶/۱۷۲	مردم به مسئولین اعتماد دارند		

منبع: یافته‌های میدانی: ۱۳۹۲.

از بین شاخص‌های بعد انسجام مؤثر بر امنیت مرزها، شاخص‌های «احترام به والدین و بزرگان همدیگر، همدردی با خانواده‌های دیگر در مواقع و حوادث ناخوشایند و همیاری در فصل» به ترتیب در رتبه‌های اول، دوم و سوم قرار دارند. در صورتی که شاخص‌های «آسیب روانی می‌رسانند و دخالت در امور خانوادگی یکدیگر» به ترتیب در پایین‌ترین رتبه‌ها که رتبه ۲۱ و ۲۲ است قرار دارند. از طرف دیگر، به منظور تعیین میزان تأثیر گرایش‌های قوم و مذهبی بر امنیت مرزها از آزمون T تک‌نمونه‌ای با مقدار $\mu = 3$ (میانگین مورد انتظار) استفاده شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد از مجموع ۹ شاخص از ابعاد قوم‌گرایی و مذهبی‌گرایی ۲ شاخص (آدم باید در انتخابات مجلس، شورای شهر، قوم و خویش خود را انتخاب کند، داشتن قوم و خویش در ادارات باعث احترام و عزت آدم است) کوچک‌تر از $Z\alpha = 2/306$ و $\alpha = 0/025$ ، و مابقی بزرگ‌تر می‌باشند. بنابراین فرض ۳: $H_0 \geq \mu$ برای ۵ مورد از شاخص‌ها رد و برای ۴ شاخص، مورد تأیید قرار گرفته است. (جداول شماره ۴).

جدول ۴- سنجش شاخص‌های مورد بررسی در منطقه

رتبه	Sig(2-tailed)	مقدار t	شاخص‌ها	مولفه‌ها
۷	۰/۰۰۰	-۳/۶۰۶	میزان جرایم در سطح منطقه احساس امنیت عمومی	امنیت اجتماعی
۱	۰/۰۰۰	۶/۶۶۹	میزان رضایت از مسئولان امنیتی	
۸	۰/۰۰۰	-۳/۸۸۵	ترس از انواع فضاها	
۲	۰/۰۰۰	۵/۱۰۴	به مردمان مرزی اعتماد دارم	
۴	۰/۰۰۰	۴/۹۵۱	میزان قتل در منطقه	
۹	۰/۰۰۰	-۶/۸۸۰	وجود گروهک‌های ضد انقلاب	
۶	۰/۰۰۰	-۳/۵۴۰	قاچاق اسلحه در منطقه	
۳	۰/۰۰۰	۴/۹۶۷	رفت و آمدهای غیر قانونی	
۵	۰/۰۰۰	۳/۶۰۹	رضایت از محل زندگی	
۳	۰/۰۰۰	-۳/۳۱۷	دسترسی به فرصت‌های برابر در استفاده از منابع و امکانات	فصلت اقتصادی
۹	۰/۰۰۰	-۸/۹۸۲	دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی	
۸	۰/۰۰۰	-۶/۶۴۰	دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی	
۶	۰/۰۰۰	-۵/۹۱۶	امکان فرصت‌های برابر در فعالیت‌های اقتصادی	
۷	۰/۰۰۰	-۵/۹۳۲	توزیع عادلانه ثروت و درآمد	
۵	۰/۰۰۰	-۴/۶۶۳	سطح اشتغال مفید و کارآمد در بین خانواده‌های شیعه و سنی	
۱	۰/۰۰۰	۷/۳۹۹	درصد جمعیت شاغل به کار در بخش کشاورزی	
۴	۰/۰۰۰	-۳/۸۰۷	درصد فقر در بین خانواده‌های شیعه و سنی	
۲	۰/۰۰۰	۴/۲۸۹	درصد جمعیت شاغل به کار در بخش خدمات	
۴	۰/۰۰۰	۳/۶۲۶	آدم باید به اعضای قوم و فامیل خود در کار و مشکلات کمک کند	قومی گرایی و مذهبی گرایی
۱	۰/۰۰۰	۶/۷۰۴	آدم باید بیشتر با قوم و خویش خودش ارتباط داشته باشد تا دیگران	
۶	۰/۰۲۷	-۲/۲۲۱	قوم و خویش آدم است که در روز مبادا به داد آدم می‌رسد	
۵	۰/۰۰۰	۳/۵۸۹	به نظر من زن گرفتن و دختر دادن به غریبه کار اشتباهی است	
۸	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۴	داشتن قوم و خویش در ادارات باعث احترام و عزت آدم است	
۷	۰/۰۰۰	-۲/۸۰۶	اگر مسئول جایی بشوم ترجیح می‌دهم کارکنان آن از اقوام نزدیک باشند	
۹	۰/۰۰۰	-۸/۲۵۹	آدم باید در انتخابات مجلس، شورای شهر، قوم و خویش خود را انتخاب کند	
۲	۰/۰۰۰	۵/۷۳۵	شیعه و سنی در مراسم‌های مذهبی همدیگر شرکت می‌کنند	
۳	۰/۰۰۰	۵/۵۵۴	به نظر من زن گرفتن و دختر دادن به شیعه و سنی کار درستی است	

منبع: یافته‌های میدانی: ۱۳۹۲.

بر پایه داده‌های جدول شماره ۴ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بر مرزها، شاخص‌های «میزان رضایت از مسئولان امنیتی (۶/۶۶۹) و اعتماد به مرزنشینان (۵/۱۰۴)» در بالاترین رتبه قرار گرفته که از تلاش مسئولان دولتی جهت برقراری امنیت در این منطقه نشأت می‌گیرد. از بین شاخص‌های امنیت اقتصادی «درصد جمعیت شاغل به کار در بخش کشاورزی (۷/۳۹۹) و درصد جمعیت شاغل به کار در بخش خدمات (۴/۲۸۲)» در بالاترین رتبه قرار دارند و این نکته بیانگر آن است که مردم مرزی منطقه سیستان در صورت وجود منابع آبی کافی و حمایت‌های مسئولین دولتی به بخش کشاورزی تمایل بیشتری دارند. شاخص‌های «دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی (۶/۶۴۰-) و دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی (۸/۹۸۲-)» به ترتیب در رتبه‌های ۸ و ۹ قرار گرفته‌اند. از بین شاخص‌های قوم‌گرایی و مذهبی‌گرایی شاخص «آدم باید بیشتر با قوم و خویش خودش ارتباط داشته باشد تا دیگران (۶/۷۰۴)»، شیعه و سنی در مراسم-های مذهبی همدیگر شرکت می‌کنند (۵/۷۳۵)» در بالاترین رتبه قرار گرفته که از ویژگی‌های اعتقادی و آداب و رسوم ساکنان مرزی این منطقه نشأت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

تنوع قومی - مذهبی به عنوان یک واقعیت تاریخی- سیاسی همواره با جغرافیای سیاسی ایران پیوند خورده است. ایران امروزی مجموعه ناهمگونی از اقوام مختلف نژادی، زبانی، مذهبی و فرهنگی بوده است که در برخی از دوره‌های تاریخ مشترک خود در ایران، انسجام و همگونی اجتماعی لازم را نداشته‌اند، به همین جهت عمدتاً نطفه‌ی بحران هویت در درون آنها وجود داشته است که در برهه‌های زمانی خاص جنبه‌ی بحران سیاسی یافته‌اند. مرزنشین بودن اغلب اقوام ایرانی نیز آنها را مستعد پذیرش تحولات قومی و بعضاً تجزیه طلبانه می‌نماید. در این بین استان سیستان و بلوچستان با ۱۲۵۰ کیلومتر مرز خاکی و ۳۱۰ کیلومتر مرز آبی و شهرستان زابل با ۲۷۲ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان، از این امر مستثنی نیست. علی‌رغم دسیسه‌های فراوان دشمنان خارجی که در سده‌های اخیر سعی در مخدوش کردن روابط این دو گروه داشته‌اند و از انواع موقعیت‌ها و منابع مالی استفاده نموده‌اند، مردم شیعه و سنی منطقه دارای روابط دوستانه و عاطفی بسیار عمیقی با یکدیگر هستند. نتایج مطالعات نظری تحقیق در منطقه نشان‌دهنده این نکته است که انسجام شیعه و اهل سنت به درازای تاریخ سیستان است، عالمان دینی این دو گروه روابط سازنده و همزیستی مسالمت‌آمیز دارند. شخصیت‌های بزرگ و نامدار کشور اعم از شیعه و سنی در اعصار مختلف دارای روابط برادرانه و دینی بوده‌اند. با توجه به اقدامات تروریستی که اخیراً انجام شده است ما شاهد وحدت روزافزون مردم منطقه بوده‌ایم و بر هم‌زدن این وحدت و همبستگی بین مردم، گمان دشمنان ایران اسلامی است چرا که مردم منطقه علاوه بر مراودات همسایگی و تعلق مکانی، با همدیگر پیوند خویشاوندی نیز دارند حتی در بسیاری از خانواده‌های سیستانی مشاهده می‌کنیم که ممکن است پدر سنی باشد اما مادر خانواده شیعه است یا فرزندان پسر سنی مذهب اما دختران خانواده دارای مذهب شیعه هستند و در کنار همدیگر بدون هیچ گونه تعارضی زندگی می‌کنند. از عوامل وحدت بین شیعه و سنی در منطقه ماه مبارک رمضان، ایام محرم و صفر به عنوان نمادهای مذهبی، احترام به بزرگان خانواده، تعاون و همکاری از دیگر عوامل وحدت‌بخش بین مردم این منطقه است که جزء پسندیده‌ترین روش‌های مردم منطقه مانند برگزاری جشن‌های ملی و همسرگزینی، خویشان و نزدیکان به گونه‌ای در هزینه‌ها شرکت دارند که اگر آسیبی به کسی وارد گردید، دیگران همراهی کنند. یکی دیگر از مصادیق انسجام و هم‌گرایی فرهنگی میان شیعه و اهل سنت در سیستان که مورد تأکید مکرر اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و رهبران مذاهب اسلامی قرار گرفته است شرکت در تشییع جنازه افراد دو گروه می‌باشد.

نتایج کمی تحقیق حاضر نشان می‌دهد از بین شاخص‌های بعد انسجام مؤثر بر امنیت مرزها، شاخص‌های احترام به والدین و بزرگان همدیگر، همدردی در مواقع بحران و ناخوشیها و همیاری در فصل کار با سطح معناداری صفر، بالاترین رتبه را کسب کرده‌اند. اما در بین شاخص‌های امنیت اجتماعی مؤثر بر مرزها، شاخص‌های میزان رضایت از مسئولان امنیتی (۶/۶۶۹) و اعتماد به مرزنشینان (۵/۱۰۴) در بالاترین رتبه قرار گرفته که از تلاش مسئولان دولتی جهت برقراری امنیت در این منطقه نشأت می‌گیرد. از بین شاخص‌های امنیت اقتصادی، درصد بالایی از جمعیت منطقه در بخش کشاورزی و پس از آن در بخش خدمات (بافاصله زیاد) قرار دارند و این نکته بیانگر آن است که مردم مرزی منطقه سیستان در صورت وجود منابع آبی کافی و

حمایت‌های دولتی، به بخش کشاورزی تمایل بیشتری دارند. شاخص‌های دسترسی برابر به مناصب و موقعیت‌های اقتصادی (۶/۴۰-) و دسترسی برابر به اطلاعات اقتصادی (۸/۹۸۲-) کمترین رتبه را کسب کرده‌اند که بیان‌کننده این نکته است که وجود زیرساخت‌ها (آب، برق، تلفن و دسترسی به منابع اطلاع‌رسانی و غیره)، از نکات تأثیرگذار بر امنیت مرزها بحساب می‌آید. بدین منظور پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- مشارکت نخبگان قومی در قدرت و بدنه حکومت که می‌تواند در انسجام و دلبستگی قومیت‌ها به نظام تأثیر بسزایی داشته باشد.
- سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که تمام اقوام استان این احساس را داشته باشند که می‌توانند مانند دیگر اقوام از تمام امکانات و ظرفیت‌های استان استفاده کنند و در قبال انجام وظایفی که جامعه برای او تعیین کرده است، متقابلاً از حقوق برابر نیز بهره‌مند گردند.
- ایجاد ستادی به عنوان ستاد سران طوایف متشکل از سران طوایف، معتمدین، ریش‌سفیدان، ... که دارای دبیرخانه مستقل برای مراجعه مردم و حل و فصل مشکلات باشد.
- تقویت و تکیه بر مشترکات و عوامل همبستگی ملی و تضعیف و خنثی‌سازی عوامل گسست و تفرقه.
- شناسایی و پرمودن شکاف‌های بی‌اعتمادی بین ملت - دولت.
- اهمیت دادن و احترام به هنجارهای فرهنگی مردم.
- فراهم نمودن شرایط، فضا، تأسیسات و راهکارهایی برای برقراری ارتباط‌های صمیمانه و راحت‌تر بین مردم و مسئولین.
- دولت مرکزی با سیاست‌های ادغام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علایق و منافع مشترک میان گروه‌های قومی را بیش از پیش به مرکز پیوند دهد.

منابع و مأخذ:

۱. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۱): ویژگی‌های اخلاقی و نژادی مردم سیستان، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه زابل.
۲. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۹۱): «پیوندهای قومی در شهرهای مرزی با محوریت شهر مرزی چابهار، همایش ملی مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها»، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، صص ۱۷۵-۱۶۶.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰): «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستائیان در نواحی روستا شهرستان کاشان»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، تهران، صص ۱۷۵-۲۰۶.
۴. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹): آمایش سرزمین و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
۵. احمدی، زهرا؛ حیدری‌موصولو، طهمورث و طیبه حیدری‌موصولو (۱۳۸۹): «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول، تهران، صص ۳۵-۶۲.
۶. افروغ، عماد (۱۳۷۸): خرده فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران.
۷. بیرو، آلن (۱۳۶۶): فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران.
۸. تریف، تری (۱۳۸۳): مطالعات نوین امنیتی، ترجمه‌ی علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران.
۹. - پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۸): «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال پنجم، شماره اول، تهران، صص ۷۱-۴۸.

۱۰. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸): جامعه‌شناسی هویت ایرانی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، تهران، صص ۷۰-۴۵.
۱۱. حسین‌زاده، فهیمه (تابستان ۱۳۸۰): «گروه‌های قومی ایران، تفاوت‌ها، تشابه‌ها»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، تهران، صص ۴۳-۶۸.
۱۲. شه‌بخش، عظیم (۱۳۷۷): «مرزهای سیاسی بلوچستان»، فصلنامه گفتگو، تهران.
۱۳. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵): مدیریت منازعات قومی در ایران، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
۱۴. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵): «مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، تهران، صص ۳۷-۵۰.
۱۵. داودی، علی‌اصغر و تکتّم نبی‌زاده‌شهری (۱۳۹۱): «بررسی مناسبات قومی - مذهبی در شهرهای مرزی (مطالعه موردی: خراسان رضوی)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها»، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، صص ۴۶۴-۴۵۰.
۱۶. راستی، عمران (۱۳۹۱): «واکوی ژئوپلیتیکی و جغرافیای - سیاسی ناامنیت‌های دهه ۱۳۸۰ خورشیدی در جنوب-شرق ایران، جمعیت حنفی مذهببان استان سیستان و بلوچستان»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، صص ۴۹۸-۴۷۸.
۱۷. زرقلی، سید هادی (۱۳۸۶): مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی با تأکید بر کارکرد امنیتی - انتظامی مرزها، انتشارات ناجا، چاپ اول، تهران.
۱۸. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰): نظریه‌ی پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، چاپ اول، تهران.
۱۹. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۴): آمایش مناطق مرزی، انتشارات دانشگاه مالک اشتر، چاپ اول، تهران.
۲۰. عزیز، پروانه و آذرکمند، رزا (۱۳۹۰): «بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، صص ۸۳۰-۸۱۴.
۲۱. فروزان‌نیا، مسعود؛ دهقان، یدالله و علی‌اکبر یاقوتی (۱۳۹۱): «نقش اقوام و طوایف در استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آنها بر ایجاد امنیت پایدار در منطقه»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، صص ۸۹۳-۸۸۳.
۲۲. کامران، حسن؛ پریزادی، طاهر و حسن حسینی‌امینی (۱۳۹۰): «ساماندهی فضایی نواحی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم، مردودشت، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۲۳. کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹): ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیایی سیاسی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، تهران.
۲۴. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۹): تاریخ فقه و فقها، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۲۵. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵): سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، تهران.
۲۶. میرحیدر، دره (۱۳۸۴): مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۲۷. نواح، عبدالرضا؛ قیصری، نوراله و سیدمجتبی تقوی نسب (۱۳۸۹): «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران (مطالعه موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، تهران، صص ۶۵-۱۸.
۲۸. وزیر، محمد جواد (۱۳۸۳): «بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در جوانان شهر شیراز»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷، بابل، صص ۲۸-۱۷.

۲۹. هوشمند، احسان (۱۳۸۴): «نگاهی به داده‌های زبانی و مذهبی ایران معاصر»، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۳، تهران، صص ۵۵-۶۴.

30. Dwivedi, R. L. (1990): *Functionals of political geography: Chaltanya publishing House, University of Allahabad, Pp259-273.*
31. Ebrahymbay salami, Gh (2006): *Geopolitical and social insecurity, Geopolitics Quarterly, No. 6-7, Tehran {in persian}*
32. Hahsemi, s.m (1995): *Islamic Republic of Iran, Volume I, shahid Beheshti Universty, {in persian}.*
33. <http://www.mortezamotahari.com/fa/articleview.html?ArticleID>.
34. <http://siasi.porsemani.ir/node/1164>.
35. Ghalibaf, M (2009): *The dimensions of social capital on border security geopolitical Journal, Year 6, Number 2, {in persian}.*
36. Jones, P.N & Wild, Trevor (1994): *Opening the frontier: Recent spatial impacts in the inner--German border zone: Regional studies, Vol. 28, No.3.*
37. Widegren, Orjorn (1997): *Social Solidarity and Social Exchange, Sociology, vol.31, No. 4, pp.755- 771.*
38. Panahi, H(2006): *Identify to the boundary pillars, Law Enforcement Education publication, {in persian}*

